

# حدیث طیر

گزارشی مختصر و روان از کتاب عبقات الانوار  
علامه میرحامد حسین

سمیه خلیلی آشتیانی



انتشارات نبأ

سرشناسه: کنتوری، میرحامد حسین ۱۳۴۶ - ۱۳۰۶ ق.  
عنوان قراردادی: عیقات الانوار فی امامة الائمة الاطهار، فارسی. برگزیده  
عنوان و بدیادآور: حدیث طیر: گزارشی مختصر و روان از کتاب عیقات الانوار /  
[علامه میرحامد حسین] / سمیه خلیلی آشتیانی.  
مشخصات نشر: تهران: مؤسسه فرهنگی نیا، ۱۳۹۷.  
مشخصات ظاهری: ۵۶ ص.  
شابک: ۸ - ۰۹۱ - ۲۶۴ - ۶۰۰ - ۹۷۸  
وضعیت فهرست‌نویسی: فیبا  
یادداشت: این کتاب برگزیده کتاب «عیقات الانوار» تألیف میرحامد حسین  
هندی بوده که خود نیز رده‌ای بر کتاب «تحفه اثنی عشریه» تألیف عبدالعزیز  
دهلوی است.  
موضوع: علی بن ابی طالب (علیه السلام)، امام اول، ۲۳ قبل از هجرت - ۴۰ ق. انبیا  
خلافت، احادیث خاص (طیر)، امامت.  
شناسه افزوده: خلیلی آشتیانی، سمیه، ۱۳۶۰  
رده‌بندی کنگره: ۱۳۹۷ ۴۲۱۷ ۲۰۴۲۱۷ ع ۹ ک / BP ۲۲۳  
رده‌بندی دیویی: ۲۹۷ / ۴۵  
شماره کتابخانه ملی: ۵۴۰۱۴۴۱



انتشارات نیا

### حدیث طیر

گزارشی مختصر و روان از کتاب عیقات الانوار علامه میرحامد حسین

نگارنده: سمیه خلیلی آشتیانی

حروفچینی: انتشارات نیا / صفحه‌آرایی: مشکاة

چاپ و صحافی: دالاهو، صالحانی

چاپ اول: ۱۳۹۷ / شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه / قیمت: ۴۰۰۰۰ ریال

ناشر: انتشارات نیا / تهران، خیابان شریعتی، بعد از خیابان

بهار شیراز، کوچه مقدم، نبش خیابان ادیبی، شماره ۲۶

صندوق پستی: ۳۷۷ / ۱۵۶۵۵

تلفن: ۷۷۵۰۶۶۰۲ فاکس: ۷۷۵۳۵۷۷۶

شابک: ۸ - ۰۹۱ - ۲۶۴ - ۶۰۰ - ۹۷۸

ISBN 978 - 600 - 264 - 091 - 8

۱۱۱۱۱۱۱۱



## فهرست مطالب

مقدمه	۹
حدیث طبر در منابع شیعه	۱۰
حدیث طبر در منابع اهل سنت	۱۱
اعتبار حدیث نزد شیعه و اهل سنت	۱۱
دلالت حدیث طبر بر افضلیت و امامت حضرت علی <small>علیه السلام</small>	۱۳
<b>بخش ۱: اسناد حدیث طبر</b>	۱۷
الف - صحابه	۱۷
ب - تابعان	۱۸
ج - حافظان و محدثان	۱۸
<b>بخش ۲: متن روایت</b>	۲۱
نقل اول	۲۱
روایت ابوحنیفه	۲۲
روایت طبرانی	۲۲
نقل دوم	۲۲

- ۲۴ ..... گونه نخست از نقل دوم این روایت: .....  
 ۲۴ ..... روایت عبّادبن یعقوب .....  
 ۲۵ ..... روایت ابوحاتم رازی .....  
 ۲۵ ..... روایت ابوبکر بزّار .....  
 ۲۷ ..... روایت طبرانی .....  
 ۲۸ ..... روایت اَبی اللّیث سمرقندی .....  
 ۲۸ ..... روایت ابوبکر نجّار .....  
 ۲۹ ..... روایت حاکم نیشابوری .....  
 ۳۰ ..... روایت ابن مغازلی .....  
 ۳۱ ..... گونهٔ دوم از نقل دوم این روایت: .....  
 ۳۱ ..... روایت ابویعلی موصلی .....  
 ۳۲ ..... روایت ابن عساکر .....  
 ۳۳ ..... گونهٔ سوم از نقل دوم این روایت .....  
 ۳۳ ..... روایت نسائی .....  
 ۳۳ ..... روایت ابویعلی .....  
 ۳۴ ..... گونهٔ چهارم از نقل دوم این روایت .....  
 ۳۴ ..... روایت ابونُعیم اصفهانی .....  
 ۳۵ ..... نقل سوم .....  
 ۳۶ ..... روایت احمدبن حنبل .....  
 ۳۶ ..... روایت ابوبکر بزّار .....  
 ۳۷ ..... روایت ابوالقاسم بغوی .....  
 ۳۷ ..... روایت ابن عساکر .....  
 ۳۹ ..... روایت گنجی شافعی .....

فهرست مطالب

بخش ۳: دلالت حدیث طیر	۴۱
حاصل مفاد حدیث طیر، خلافت علی <small>ع</small> است	۴۱
محبوب‌ترین فرد، برترین فرد است	۴۲
پاسخ به شبهه	۴۲
نکات و ظرایف کلام و دعای پیامبر اکرم <small>ص</small>	۴۹
منابع	۵۳





## مقدمه

پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در ساهای نبوتشان در مواضع و حوادث مختلف، بارها به صورت شفاهی و عملی فضائل حضرت علی عَلِيٌّ را بر شمر دند. به گونه‌ای که برای مسلمانان کاملاً روشن و آشکار باشد که جانشین ایشان، حضرت علی عَلِيٌّ است و دلالت آن بر امامت ایشان پس از پیامبر، دلالت تامّ باشد. یکی از این احادیث که بیانگر فضائل امیر المؤمنین عَلِيٌّ است و جایگاه ایشان را نزد خداوند متعال و رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نشان می‌دهد و به آن برای امامت و جانشینی حضرت علی عَلِيٌّ استناد می‌شود، حدیث طَیْر است.

بنا بر محتوای حدیث طَیْر (مَشْوِیّ) (مرغ بریان)، پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در این کلام خود، هم به صورت شفاهی فضل و برتری علی عَلِيٌّ را تبیین فرمود و هم به صورت عملی آن را آشکار ساخت. نقل مشترک این روایت چنین است که رسول

خدا ﷺ، قصد تناول گوشت پرنده‌ای بریان را داشت و از خدا خواست با بهترین خلق هم غذا شود و با حضرت علی ع هم غذا شد. این روایت در منابع شیعه و اهل سنت با تفاوت‌هایی در نقل حدیث، آمده است.

### حدیث طبر در منابع شیعه

حدیث طبر را بسیاری از محدثان متقدم و متأخر شیعه با اختلاف، در نقل متن روایت، در کتب خود روایت کرده‌اند، از جمله محمد بن جریر بن رستم طبری در *المسترشد فی الامامه*<sup>۱</sup>، ابن عقده کوفی در *فضائل امیر المؤمنین*<sup>۲</sup>، شیخ صدوق در *کتاب الخصال*<sup>۳</sup>، فضل بن حسن طبرسی در *اعلام الوری بأعلام الهدی*<sup>۴</sup>، احمد بن علی طبرسی در *کتاب الاحتجاج*<sup>۵</sup>، ابن بطریق در *عمد، علامه حلّی در کشف الیقین*<sup>۷</sup>، شیخ حرّ عاملی در *اثبات الهدا*<sup>۸</sup> و *علامه مجلسی در بحار الانوار*<sup>۹</sup>. این حدیث توسط دیگر

۱. طبری، *المسترشد فی الامامه*، ص ۳۳۶.

۲. ابن عقده، *فضائل امیر المؤمنین*، ص ۷۴.

۳. شیخ صدوق، *الخصال*، ج ۲، ص ۵۵۵.

۴. طبرسی، *فضل بن حسن، اعلام الوری*، ج ۱، ص ۳۱۶ - ۳۱۷.

۵. طبرسی، *احمد بن علی، الاحتجاج*، ج ۱، ص ۱۲۴.

۶. ابن بطریق، *عمدة عیون صحاح الاخبار*، ص ۲۴۶.

۷. علامه حلّی، *کشف الیقین*، ص ۲۷۴.

۸. شیخ حرّ عاملی، *اثبات الهداة*، ج ۱، ص ۳۵، ج ۳، ص ۷۹.

۹. مجلسی، *بحار الانوار*، ج ۳۱، ص ۳۱۶، ج ۳۸، ص ۳۴۹.

راویان و دانشمندان شیعه<sup>۱</sup> نیز روایت شده که در اینجا بنا به اختصار نام برخی ایشان ذکر شده است.

### حدیث طبر در منابع اهل سنت

این حدیث را بیش از نه نفر از صحابه، نود و یک نفر از تابعان و بیش از نود نفر از راویان و محدثان اهل سنت روایت کرده‌اند. از راویان متقدم در نقل این روایت، می‌توان از ابوحنیفه پیشوای فقه حنفی،<sup>۲</sup> احمد بن حنبل،<sup>۳</sup> پیشوای فقه حنبلی، ترمذی،<sup>۴</sup> نسائی،<sup>۵</sup> ابویعلی موصلی،<sup>۶</sup> طبرانی<sup>۷</sup> و ابونعیم اصفهانی<sup>۸</sup> نام برد. از نام دیگر راویان این حدیث، در بخش اسناد و متن حدیث آگاه خواهید شد.

### اعتبار حدیث نزد شیعه و اهل سنت

حدیث طبر را نه تنها علمای شیعه متواتر و قطعی‌الصدور

۱. بنگرید: ابن طاووس، بناء المقالة، ص ۲۹۲، اربلی، كشف الغمّة، ج ۱، ص ۱۵۶؛ شامی، الدرّ النظیم، ص ۲۶۰.
۲. ابن اثیر، اسد الغابة فی معرفة الصحابه، ج ۴، ص ۳۰.
۳. سبط ابن جوزی، تذکرة خواصّ الأمة، ص ۲۸.
۴. ترمذی، سنن، ج ۵، ص ۵۹۵.
۵. نسائی، خصائص امیر المؤمنین، ح ۱۲.
۶. ابویعلی، مسند، ج ۷، ص ۱۰۵.
۷. طبرانی، المعجم الكبير، ج ۷، ص ۸۲.
۸. ابونعیم اصفهانی، حلیة الاولیاء، ج ۴، ص ۳۵۰.

دانسته‌اند، بلکه گروهی از محدثان اهل سنت نیز صحّت و اعتبار آن را تأیید نموده و تصریح کرده‌اند که حدیث مذکور به روشنی حاکی از این است که علی عليه السلام محبوب‌ترین آفریدگان نزد خداست.<sup>۱</sup>

گفتیم که، حدیث طیر را چند تن از صحابه نقل کرده‌اند، مضمون این نقل‌ها به هم نزدیک است، و اختلافی که در الفاظ هست به آن زیان نمی‌رساند. سفینه، خادم پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم،<sup>۲</sup> سُدی کبیر به نقل از انس بن مالک،<sup>۳</sup> یحیی بن کثیر از انس بن مالک،<sup>۴</sup> عثمان بن طویل از انس بن مالک،<sup>۵</sup> عبدالله بن انس بن مالک از پدرش،<sup>۶</sup> و علی بن عبدالله بن عباس از پدرش<sup>۷</sup> این حدیث را نقل کرده‌اند.

بنابر نقل ابن کثیر، افزون بر راویانی که حدیث طیر را از کسانی جز انس بن مالک نقل آورده‌اند، نود راوی حدیث را تنها

۱. گنجی الشافعی، کفایة الطالب فی مناقب علی بن ابی‌طالب، ص ۱۵۱.
۲. طبرانی، المعجم الکبیر، ج ۷، ص ۸۲.
۳. أبو یعلی، مسند، ج ۷، ص ۱۰۵؛ نسائی، خصائص امیرالمؤمنین، ج ۱، ص ۲۹، ح ۱۰.
۴. طبرانی، المعجم الأوسط، ج ۲، ص ۲۰۷.
۵. بخاری، تاریخ الکبیر، ج ۶، ص ۲۵۸.
۶. ابن کثیر، البدایة والنہایة، ج ۷، ص ۳۵۱؛ ابن حجر عسقلانی، المطالب العالیة بزوائد المسانید الثمانیة، ج ۱۶، ص ۱۰۸.
۷. ذهبی، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، ج ۳، ص ۲۳۲.

از طریق انس بن مالک روایت کرده‌اند.<sup>۱</sup> با این حال، ابن‌کثیر صحّت روایت را دچار اشکال می‌داند، گرچه به گفته وی افراد بسیاری آن را نقل کرده‌اند.<sup>۲</sup> علامه امینی در پاسخ به سخن ابن‌کثیر، قلب وی را «مُهر زده از سوی خدا» می‌داند و معتقد است انکار حدیث طبر با وجود ادله مذکور، معنایی ندارد.<sup>۳</sup>

#### دلالت حدیث طبر بر افضلیت و امامت حضرت علی علیه السلام

در این حدیث، بنا به آنچه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرموده، حضرت علی علیه السلام به عنوان محبوب‌ترین بندگان نزد خداوند متعال و پیامبر اسلام معرفی می‌شود که چنین فردی با چنین ویژگی برای خلافت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم شایستگی دارد. چنین محبوبیتی، در حقیقت دلالت بر افضلیت او بر دیگر افراد امت پیامبر دارد.

متکلمان شیعه از جمله شیخ مفید،<sup>۴</sup> سید مرتضی<sup>۵</sup> و علامه مجلسی،<sup>۶</sup> از این حدیث برای اثبات اولویت حضرت علی علیه السلام استفاده کرده‌اند. بخشی از سخن ایشان را در ادامه از نظر

۱. ابن‌کثیر، البداية والنهاية، ج ۷، ص ۳۵۳.

۲. همان، ص ۳۵۴.

۳. امینی، الغدير، ج ۳، ص ۳۰۸ - ۳۰۹.

۴. شیخ مفید، الافصاح فی الامامة، ص ۳۳.

۵. سید مرتضی، الفصول المختارة، ص ۹۶.

۶. مجلسی، بحارالانوار، ج ۳۸، ص ۳۵۹.

می‌گذارید. در بخش سوم این جلد که به دلالت‌های این حدیث اختصاص دارد، استدلال‌های ایشان به تفصیل ذکر شده است. شیخ مفید با اتکا به دلالت روایت طیر، محبوب‌ترین مخلوق نزد خداوند متعال را امام علی علیه السلام می‌خواند، آنگاه لازمه آن را برترین بودن امام علی می‌داند؛ چرا که به باور او، سرچشمه محبت خداوند در حق است، نه از روی هوای نفس و خواهش طبع؛ از همین رو وقتی علی علیه السلام محبوب‌ترین و در نتیجه برترین مخلوق خداوند باشد، ثابت می‌شود که او امام است؛ چرا که تقدیم مفضول بر فاضل در نبوت و خلافت عامه، از سوی خداوند جایز نیست.<sup>۱</sup>

سید مرتضی در الفصول المختار سخن شیخ مفید را تقریر می‌کند، با این تأکید که محبوب‌ترین مخلوق نزد خداوند، ثوابی بیشتر از همه دارد و چنین کسی بدون شک، از تمام مخلوقات عمل بیشتر و برتر، و عبادت فراوان‌تری دارد. به باور سید مرتضی، همین دلیلی بر فضیلت امام علی علیه السلام نسبت به تمام مردم به جز پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم است.<sup>۲</sup>

آنچنان‌که گفته شد، توضیحات تفصیلی درباره دلالت حدیث، همچنین آشنایی بهتر با نقل‌های متعدد، اما هم‌مضمون، از این حدیث را در ادامه خواهید دید. این جلد از مجموعه

۱. شیخ مفید، همان.

۲. سید مرتضی، همان.

مختصر عبققات الانوار، برگرفته از جلد حدیث طبر به تلخیص و تعریب آیت الله سید علی حسینی میلانی است که با ترجمه آقای مجید جعفری از سوی انتشارات نبأ به زیور طبع درآمده است. امید است، برای مخاطبان علاقه‌مند به مباحث اعتقادی، و به ویژه مبحث امامت، در بهره‌مندی از مطالب و معارف آن مفید باشد.

و الحمد لله رب العالمین

تیرماه ۱۳۹۷

یازده ذی القعدة الحرام سال ۱۴۳۹ هجری

(مصادف با میلاد حضرت امام رضا علیه السلام)

سمیه خلیلی آشتیانی





### اسناد حدیث طیر

حدیث طیر را نه نفر از صحابه و نود و یک نفر از تابعان و بیش از نود نفر از راویان اهل سنت نقل کرده‌اند. اسامی این راویان را در ادامه به ترتیب از نظر می‌گذرانید.

#### الف - صحابه

۱. علی عَلِيٌّ
۲. عبدالله بن عباس
۴. ابو سعید خُدَری
۵. سفینه (خادم پیامبر)
۶. ابوالطفیل عامر بن واثل
۷. انس بن مالک
۸. سعد بن ابی وقاص

۹. أبو مرزم یعلی بن مرّ

**ب - تابعان**

ابوسعید أبان بن تغلب کوفی  
 ابواسماعیل أبان ابن أبی عیاش کوفی  
 ابواسحاق ابراهیم بن مهاجر بجلی  
 ابوهدبة ابراهیم بن هدبة  
 ابویحیی اسحاق بن عبدالله بن ابی طلحه مدنی انصاری  
 اسماعیل بن سلمان بن أبی مغیر  
 اسماعیل بن سلیمان تیمی  
 اسماعیل بن عبدالله بن جعفر بن ابی طالب هاشمی  
 اسماعیل بن عبدالرحمن بن أبی کریمه سدّی  
 اسماعیل بن وردان  
 برید بن سفیان اسلمی  
 ابوالحسن بسّام بن عبدالله صیرفی کوفی  
 و بسیاری دیگر از تابعان که در کتاب عیقات نامشان ذکر  
 شده است.

**ج - حافظان و محدثان**

نام راوی	قرن
نعمان بن ثابت، ابوحنيفة (م ۱۵۰ هـ)	دوم
احمد بن حنبل شیبانی (م ۲۴۱ هـ)	سوم

اسناد حدیث طبر

<p>احمد بن حنبل شیبانی (م ۲۴۱ هـ) عبّاد بن یعقوب (م ۲۵۰ هـ)  عبّاد بن یعقوب (م ۲۵۰ هـ) ابو حاتم محمد بن ادريس رازی  (م ۲۷۷ هـ)  ابو حاتم محمد بن ادريس رازی (م ۲۷۷ هـ) محمد بن  عیسی ترمذی (م ۲۷۹ هـ)</p>	
<p>ابو عبدالرحمن احمد بن شعيب نسائي (م ۳۰۳ هـ)  ابو عبدالرحمن احمد بن شعيب نسائي (م ۳۰۳ هـ)  ابو یعلی احمد بن علی تمیمی موصلی (م ۳۰۷ هـ)  ابو یعلی احمد بن علی تمیمی موصلی (م ۳۰۷ هـ) محمد بن جریر  طبری (م ۳۱۰ هـ)  محمد بن جریر طبری (م ۳۱۰ هـ) محمد بن أبی حاتم رازی  (م ۳۲۷ هـ)  محمد بن أبی حاتم رازی (م ۳۲۷ هـ) سلیمان بن احمد  طبرانی (م ۳۶۰ هـ)</p>	<p>چهارم</p>
<p>محمد بن عبدالله حاکم نیشابوری (م ۴۰۵ هـ)  محمد بن عبدالله حاکم نیشابوری (م ۴۰۵ هـ) أبو نعیم احمد بن  عبدالله اصفهانی (م ۴۳۰ هـ)  أبو نعیم احمد بن عبدالله اصفهانی (م ۴۳۰ هـ) ابوبکر احمد بن  علی بن ثابت، خطیب بغدادی (م ۴۶۳ هـ)  ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، خطیب بغدادی (م ۴۶۳ هـ) ابوالحسن  علی بن محمد مغزلی (م ۴۸۳ هـ)</p>	<p>پنجم</p>
<p>رزین بن معاویه عیدری (م ۵۳۵ هـ)  رزین بن معاویه عیدری (م ۵۳۵ هـ) ابوالمؤید موفق بن احمد مکی،  خطیب خوارزمی (م ۵۶۸ هـ)  ابوالمؤید موفق بن احمد مکی، خطیب خوارزمی (م ۵۶۸ هـ)</p>	<p>ششم</p>

## حدیث طبر

ابوالقاسم علی بن حسن بن عساکر دمشقی (م ۵۷۱ هـ)	
علی بن محمد بن اثیر جزری (م ۶۳۰ هـ) علی بن محمد بن اثیر جزری (م ۶۳۰ هـ) ابوالمظفر، یوسف بن قیز اوغلی، سبط ابن جوزی (م ۶۵۴ هـ) ابوالمظفر، یوسف بن قیز اوغلی، سبط ابن جوزی (م ۶۵۴ هـ) محمد بن یوسف گنجی شافعی (م ۶۵۸ هـ) محمد بن یوسف گنجی شافعی (م ۶۵۸ هـ) محبّ الدین، احمد بن عبدالله طبری (م ۶۹۴ هـ)	هفتم
ابو عبدالله شمس الدین ذہبی (م ۷۴۸ هـ)	ہشتم
شہاب الدین احمد بن علی بن محمد ابن حجر عسقلانی (م ۸۵۲ هـ)	نہم
جلال الدین عبدالرحمن بن ابی بکر سیوطی (م ۹۹۱ هـ) جلال الدین عبدالرحمن بن ابی بکر سیوطی (م ۹۹۱ هـ) شہاب الدین احمد بن محمد بن حجر مکی (م ۹۷۳ هـ) شہاب الدین احمد بن محمد بن حجر مکی (م ۹۷۳ هـ) علی بن حسام الدین متقی (م ۹۷۵ هـ)	دہم

## بخش ۲

### متن روایت

این بخش به نقل‌های متفاوت از حدیث طبر یا حدیث طبر مشوی (مرغ بریان) اختصاص یافته که با سه نقل، در کتاب عبقات از راویان متعدد، روایت شده است. روایات هم‌مضمون، در قالب یک نقل سازمان‌دهی شده است. البته روایات نقل شده در کتاب عبقات، به این تعداد خلاصه نمی‌شود، بلکه علامه میر حامد حسین، از تمام نود راوی، این روایت را آورده که نقل راویان متأخر، تکرار و نقل روایت از راویان متقدم است، از این رو به نقل روایت از متقدمان اکتفا شده است.

#### نقل اول:

این نقل از روایت، تنها بیان‌کننده این معنا و مفهوم است که به پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ پرنده‌ای هدیه شد، و ایشان از خدا

خواستند که محبوب ترین بندگانش را برای همراهی در تناول آن پرنده نزد ایشان بفرستند، این دعا اجابت شد و علی علیه السلام بر پیامبر وارد شدند.

#### روایت ابوحنیفه

وی با سندی از انس بن مالک روایت می کند که گفت: به پیامبر صلی الله علیه و آله پرنده ای هدیه شد، فرمود: خداوندا، محبوب ترین بندگانت را نزد من حاضر کن. علی علیه السلام حضور یافت، و با پیامبر هم غذا شد.<sup>۱</sup>

#### روایت طبرانی

او با سندی از سفینه خادم پیامبر اسلام روایت می کند که گفت: نزد پیامبر صلی الله علیه و آله مرغی آوردند. پیامبر فرمود: «خداوندا، محبوب ترین بندگانت را نزد من حاضر کن تا با من از این مرغ بخورد. در این هنگام علی علیه السلام وارد شد. پیامبر فرمود: به سوی من بیا».<sup>۲</sup>

#### نقل دوم:

این نقل از روایت که راویان بیشتری نقل و به چند صورت تکرار کرده اند، نقلی است که در آن انس بن مالک در منزل

۱. ابن اثیر، أسد الغابة فی معرفة الصحابة، ج ۴، ص ۳۰.

۲. طبرانی، المعجم الكبير، ج ۷، ص ۸۲.

پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ حضور دارد و شاهد دعای ایشان است که فرمود: «خداوندا، محبوب‌ترین بندگانت را نزد من حاضر کن تا با من از این مرغ بخورد».

طبق نقل او، پیامبر اسلام سه بار دعا می‌کنند و هر بار، علی عَلِيٌّ بر در خانه پیامبر حاضر می‌شوند، و آنس هر بار به بهانه‌ای ایشان را از در خانه می‌راند تا یکی از انصار بر پیامبر وارد شود.

این نقل صورت‌های دیگری هم دارد، همچون نقلی که پیامبر در حضور همسرانش این چنین دعا می‌فرماید. در آن زمان عایشه می‌خواهد که پدرش ابوبکر، بر پیامبر وارد شود، حفصه نیز از خدا می‌خواهد که پدرش عمر، بر پیامبر ورود کند. گونه دیگر از این نقل چنین است که ابوبکر، عمر و عثمان هر کدام مراجعه می‌کنند، پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، اجازه ورود به خانه را به ایشان نمی‌دهد و آنها را رد می‌کند و به حضور نمی‌پذیرد. گونه دیگر از این نقل چنین است که پیامبر به آنس می‌فرماید که از خانه بیرون برو و فردی را دعوت کن تا با من در خوردن این مرغ شریک شود.

در هر چهار صورت از این نقل، اختلاف‌هایی هم دیده می‌شود در ادامه ضمن نقل روایات، این اختلاف‌ها را از نظر می‌گذرانید.

### گونه نخست از نقل دوم این روایت: روایت عبّاد بن یعقوب

او در کتابی که درباره مناقب امیر المؤمنین علیه السلام تألیف کرده است، با سندی از عمر بن علی روایت می‌کند که گفت: «به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله پرنده‌ای که به آن حُبّاری<sup>۱</sup> می‌گفتند، هدیه شد و در محضر آن حضرت قرار گرفت. انس بن مالک آن را می‌پوشاند. سپس پیامبر دستش را برای دعا بالا برد و گفت: خداوندا! محبوب‌ترین بندگانت را نزد من حاضر کن که با من این پرنده را بخورد.

انس گفت: در این هنگام علی علیه السلام آمد و اجازه ورود خواست. انس به آن حضرت می‌گوید: رسول خدا مشغول کاری است. علی بازگشت، سپس رسول خدا دعا را تکرار کرد و دوباره علی علیه السلام آمد و انس او را رد کرد. سپس بار سوم دعا کرد باز هم علی علیه السلام آمد، این بار انس، علی علیه السلام را داخل کرد. رسول خدا فرمود: به سوی من بیا، آن‌گاه پرنده را با آن حضرت تناول نمود، و سپس علی علیه السلام از خانه پیامبر خارج شد.

انس گفت: گفتم ای ابوالحسن - ابوالحسن کنیه امیر المؤمنین است - برای من استغفار کن، زیرا من در قبال تو گناهی دارم، و در برابر آن نزد من بشارتی برای شما هست، پس دعای پیامبر را نقل نمودم. آن حضرت خدا را سپاس گفت و برای من نیز

۱. پرنده‌ای است بزرگتر، و گردن درازتر از مرغ خانگی.



استغفار کرد و از من راضی شد. بشارت من به آن حضرت موجب برطرف شدن گناه من شد.»

### روایت ابوحاتم رازی

او با سندی از انس بن مالک روایت کرده است که گفت: روزی پرنده‌ای به رسول خدا ﷺ هدیه شد. فرمودند: خداوندا! محبوب‌ترین بندگانت را نزد من حاضر کن تا با من در خوردن آن همراه باشد. من گفتم: خدایا چنین کسی را مردی از انصار قرار ده. آنگاه علی وارد شد. گفتم: رسول خدا مشغول کاری است. علی رفت، ولی دوباره بازگشت. بار دیگر نیز همان پاسخ را دادم، علی باز هم رفت و بازگشت. پس از سومین بار، رسول خدا فرمود: در را باز کن، من در را باز کردم. علی وارد شد. پیامبر فرمود: چه چیزی مانع ورود تو شد ای علی؟ علی رضی الله عنه فرمود: سه مرتبه است که انس من را برمی‌گرداند، و فکر می‌کرد شما کاری دارید. پیامبر فرمود: ای انس چه چیز تو را به این کار واداشت؟ گفتم: دعای شما را شنیدم، دوست داشتم که مردی از قبیله من مورد دعای شما باشد. پیامبر فرمود: این مرد قوم خود را دوست دارد.<sup>۱</sup>

### روایت ابوبکر بزار

وی با سندی از انس بن مالک روایت می‌کند که گفت: به

۱. ابوحاتم رازی، مناقب علی بن ابی‌طالب، ص ۶۴.

رسول خدا پرنده‌هایی هدیه شد. ایشان آن را بین همسران خود تقسیم نمود. به هر کدام از آنها سه پرنده رسید. آن حضرت نزد یکی از همسران خود - صفیّه یا غیر او - بود. همسر آن حضرت مرغ‌ها را نزد پیامبر حاضر کرد. پیامبر فرمود: خداوندا! محبوب‌ترین بندگانت را نزد من حاضر کن، تا با من از این غذا بخورد. من گفتم: خداوندا! او را مردی از انصار قرار ده. در این وقت علی حاضر شد. پیامبر فرمود: ای انس، بین چه کسی پشت در است؟! نگاه کردم دیدم علی است. گفتم: رسول خدا مشغول کاری است. آنگاه بازگشتم و نزد پیامبر ایستادم. حضرت فرمود: بین چه کسی پشت در است؟ دیدم علی است. این کار سه بار تکرار شد تا این که علی وارد شد، و من پشت در بودم. رسول خدا فرمود: خداوند تو را رحمت کند، چه کسی تو را از آمدن بازداشت؟! علی عَلَيْهِ السَّلَامُ گفت: این سومین بار است که انس مرا باز می‌گرداند و می‌پندارد شما مشغول کاری هستید. رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: ای انس، چه چیز تو را بر این کار واداشت؟ گفتم: ای رسول خدا، دعای شما را شنیدم، دوست داشتم آن فرد از قوم من باشد. رسول خدا فرمود: این مرد قوم خود را دوست دارد. پیامبر این جمله را سه بار تکرار کردند.<sup>۱</sup>

۱. نورالدین هیشمی، کشف الاستار عن زوائد البزار، ج ۳، ص ۱۹۴.

## روایت طبرانی

از او دو نقل نزدیک به هم، از این روایت آمده است:  
 وی با سندی از عبدالملک بن عمیر از انس بن مالک نقل کرده است که گفت: به رسول خدا ﷺ مرغی هدیه شد. حضرت آن را در پیش خود قرار داد و گفت: خداوندا، محبوب‌ترین بندگانت را نزد من حاضر کن تا با من [از این مرغ] بخورد. در این هنگام علی بن ابی طالب حاضر شد و در زد. من گفتم: کیست؟ گفت: علی هستم. پیامبر مشغول کاری است. او بازگشت. سه بار این واقعه تکرار شد، تا این که با پای خود در زد و داخل شد. پیامبر فرمود: چه چیز مانع تو بود؟ گفت: سه بار آمدم، هر بار انس می‌گفت: پیامبر مشغول کاری هستند. پیامبر فرمود: ای انس چه چیز تو را بر این کار واداشت؟ گفتم: می‌خواستم مردی از قوم من حاضر شود.<sup>۱</sup>  
 او با سندی از انس بن مالک نقل می‌کند که گفت: نزد پیامبر بودم که پرنده‌ای به ایشان هدیه شد. فرمود: خداوندا، بهترین بندگانت را نزد من حاضر کن، تا با من [از این مرغ] بخورد. در این وقت علی بن ابی طالب وارد شد. گفتم: رسول خدا مشغول کاری است. بار دیگر آمد و داخل شد. رسول خدا فرمود: به سوی من بیا، به سوی من بیا. سپس با او مرغ را تناول فرمود.<sup>۲</sup>

۱. طبرانی، المعجم الکبیر، ج ۱، ص ۲۵۳.

۲. همان، ج ۷، ص ۸۲.

## روایت اَبی الیث سمرقندی

او در کتاب المجالس، از آنس بن مالک نقل می‌کند که گفت: به رسول خدا مرغی هدیه شد. سپس فرمود: خداوندا، محبوب‌ترین بندگان را نزد من بفرست تا با من بخورد. آنس گوید: من نزدیک در بودم که علی وارد شد، او را باز گرداندم به این امید که مردی از انصار بیاید. بار دیگر علی آمد، به او اجازه دادم. رسول خدا فرمود: ای علی تناول بفرما، که تو بهترین بندگان نزد خدا هستی. زیرا من دعا کردم که محبوب‌ترین بندگان را نزد من بفرستند.

## روایت ابوبکر نجّار

محدث طبری می‌گوید: «نجّار حدیث طبر را نقل کرده و گفته است: به رسول خدا پرنده‌ای هدیه شد. حضرت، نام خدا را برد و لقمه‌ای خورد. آنگاه فرمود: خداوندا، محبوب‌ترین بندگان نزد خودت و من را حاضر کن. در این هنگام علی آمد و در زد. گفتم: کیستی؟ گفت: علی، گفتم: رسول خدا مشغول کاری است. بار دیگر رسول خدا لقمه‌ای خورد و کلام قبل را تکرار فرمود. دوباره علی علیه السلام در را کوبید. گفتم: کیستی؟ گفت: علی، گفتم: رسول خدا مشغول کاری است. بار سوم رسول خدا لقمه‌ای خورد و مانند قبل همان جمله را تکرار کرد. در این هنگام علی علیه السلام در زد و صدای خود را بلند کرد. رسول خدا فرمود: ای آنس در را باز کن. علی داخل شد. چون پیامبر را دید، تبسم کرد

و فرمود: سپاس خداوند را که تو را محبوب‌ترین مردم قرار داد. من در هر لقمه‌ای دعا کردم که خداوند محبوب‌ترین بندگان نزد خود و نزد من را حاضر کند. آن شخص تو هستی. علی عَلَيْهِ السَّلَامُ گفت: به خدایی که تو را به حق به نبوت برگزید، من سه بار در را کوفتم، ولی اُنس مرا بازگرداند. رسول خدا فرمود: ای اُنس چرا علی را بازگرداندی؟ گفت: دوست داشتم محبوب‌ترین مردم، مردی از انصار باشد. پیامبر تبسم نمود و فرمود: این مرد به خاطر دوستی قومش ملامت نمی‌شود.<sup>۱</sup>

#### روایت حاکم نیشابوری

او این روایت را از شصت و هشت نفر از راویان در کتاب المستدرک علی الصحیحین نقل کرده است. وی با سندی از رسول خدا روایت کرده است که فرمود: خداوند، محبوب‌ترین بندگان را نزد خودت و من، حاضر کن تا با من از این مرغ بخورد. در این هنگام صدای در آمد. رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: ای اُنس ببین چه کسی دم در است. با خود گفتم: خدایا او را مردی از انصار قرار ده، به طرف در رفتم، علی عَلَيْهِ السَّلَامُ را دیدم. گفتم: رسول خدا مشغول کاری است. آنگاه آمدم و در جای خود ایستادم. چیزی نگذشت که دوباره صدای در آمد. حضرت فرمود: ای اُنس، ببین چه کسی پشت در است؟ رفتم، بار دیگر

۱. محب‌الدین طبری، الرياض النضرة، ج ۲، ص ۱۱۴ - ۱۱۵.

علی را دیدم. گفتم: رسول خدا مشغول کاری است. دوباره بازگشتم و در جای خود قرار گرفتم. مدتی نگذشت که باز هم صدای در آمد. رسول خدا فرمود: ای انس، برو و او را داخل کن. تو اولین کسی نیستی که قوم خود را دوست دارد. او از انصار نیست. به طرف در رفتم و علی ع را وارد کردم. پیامبر ص فرمود: ای انس، مرغ را بیاور. مرغ را نزد پیامبر گذاشتم. به این ترتیب، آنان مرغ را تناول نمودند.<sup>۱</sup>

#### روایت ابن‌مغازلی

او با سندی از انس بن مالک روایت می‌کند که روزی انس و محمد بن حجاج در حال صحبت با هم بودند، انس روایتی از علی ع را بیان می‌کند و محمد بن حجاج می‌گوید: آیا از علی برای ما حدیث می‌گویی؟ ابوتراب را رها کن!، او عصبانی می‌شود و می‌گوید: آیا درباره‌ی علی چنین می‌گویی؟ به خدا حال که این‌گونه می‌گویی، حدیثی که از رسول خدا درباره‌ی علی شنیدم، می‌گویم که بین من و پیامبر احدی واسطه نیست.

روزی به رسول خدا ص پرنده‌ای [و مقداری نان] هدیه شد. ایشان از آن تناول کردند و مقداری از مرغ و نان باقی ماند. هنگامی که صبح شد، آن را خدمت حضرت آوردم. رسول خدا فرمود: خداوندا، محبوب‌ترین بندگانت را نزد من حاضر کن تا با

۱. حاکم نیشابوری، المستدرک علی الصحیحین، ج ۳، ص ۱۳۰.

من از این مرغ بخورد. در این وقت مردی آمد و در زد. آرزو کردم از انصار باشد. دیدم علی عَلَيْهِ السَّلَامُ است. گفتم: رسول خدا مشغول کاری است. سپس او بازگشت. رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ دوباره فرمود: خداوندا، محبوب‌ترین بندگانت را نزد من حاضر کن تا با من از این پرنده بخورد. آنگاه مردی آمد و در زد. باز هم دیدم علی عَلَيْهِ السَّلَامُ است. گفتم: هم اکنون اینجا بودی؟ علی بازگشت. بار دیگر رسول خدا فرمود: خداوندا، محبوب‌ترین بندگانت را نزد من حاضر کن تا با من از این مرغ بخورد. باز هم مردی آمد و در زد. دیدم علی است. رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ صدای او را شنید. رسول خدا فرمود: به او اجازه ورود بده. چون علی را دید، فرمود: به سوی من بیا، به سوی من بیا.<sup>۱</sup>

گونه دوم از نقل دوم این روایت:

روایت ابویعلی موصلی

ابویعلی با سندی از آنس بن مالک نقل می‌کند که گفت: «به رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ کبکی بریان هدیه شد. رسول خدا فرمود: خداوندا! محبوب‌ترین بندگانت را نزد من حاضر کن تا با من از این غذا بخورد. عایشه گفت: خداوندا، این شخص را پدر من قرار ده. حفصه گفت: خدایا او را پدر من قرار ده. آنس گفت: با

۱. ابن مغزلی، مناقب علی بن ابی طالب، ص ۱۵۶. روایاتی با همین مضمون و با اندک اختلافی در نقل هم در کتاب مناقبش آورده است. بنگرید: همان، ص ۱۵۶ - ۱۷۵.

خود گفتم: خدایا او را سعدبن عباده قرار ده. آنس گفت: صدای حرکت در را شنیدم. ناگهان علی وارد شد و سلام کرد. گفتم: رسول خدا مشغول کاری است. آن حضرت بازگشت. دوباره صدای حرکت در را شنیدم. علی بار دیگر سلام کرد. رسول خدا ﷺ صدای او را شنید. فرمود: بنگر چه کسی است؟ بیرون آمدم، دیدم علی است. نزد پیامبر رفتم و آمدن علی را خبر دادم. فرمود: به ایشان اجازه ورود بده، من نیز اجازه ورود دادم، علی داخل شد. رسول خدا گفت: نزد من بیا، نزد من بیا.»<sup>۱</sup>

#### روایت ابن عساکر

وی با سندی که به عبدالله، پسر آنس بن مالک می‌رسد این چنین روایت می‌کند: به رسول خدا ﷺ کیکی بریان به همراه نان و ظرف آبی هدیه شد. رسول خدا فرمود: خداوندا، محبوب‌ترین بندگانت را بیاور تا با من از این غذا بخورد. عایشه گفت: خداوندا، او را پدر من قرار ده. حفصه گفت: خدایا، او را پدر من قرار ده. آنس گوید: من هم گفتم: خدایا او را سعدبن عباده قرار ده. در این حال صدای حرکتی را از درب خانه شنیدم، من خارج شدم. علی را دیدم. گفتم: رسول خدا مشغول کاری است. علی بازگشت. دوباره صدای حرکت در را شنیدم، باز هم خارج شدم و علی را دیدم. گفتم: رسول خدا

۱. ابویعلی، مسند، ج ۷، ص ۱۰۵.



مشغول کاری است. علی مجدداً بازگشت. بار سوم صدای حرکتی را شنیدم و رفتم. دیدم علی است. سپس آمدم به سوی رسول خدا ﷺ و به او خبر دادم. فرمود: به او اجازه بده. علی داخل شد. سپس رسول خدا فرمود: به سوی من بیا، به سوی من بیا.<sup>۱</sup>

### گونه سوم از نقل دوم این روایت روایت نسائی

او با سندی از سُدی از انس بن مالک روایت کرده است که گفت: نزد پیامبر ﷺ مرغی برای غذا حاضر بود. فرمود: خداوندا! محبوب ترین بندگانت را نزد من حاضر کن تا با من از این مرغ بخورد. در این حال ابوبکر آمد، حضرت او را برگرداند، سپس عمر آمد، آن حضرت او را هم برگرداند، سپس علی علیه السلام آمد، حضرت به او اجازه داد.<sup>۲</sup>

### روایت ابویعلی

او با سندی از انس بن مالک روایت می کند که گفت: نزد رسول خدا ﷺ مرغی بود و گفت: خداوندا! محبوب ترین بندگانت را نزد من حاضر کن تا با من در خوردن این مرغ همراه باشد. ابوبکر وارد شد، پیامبر وی را رد کرد، سپس عمر آمد، او را هم رد کرد. آنگاه عثمان آمد، او را هم رد کرد. آنگاه علی آمد، به

۱. بنگرید: ابن عساکر، تاریخ مدینة دمشق، ترجمة علی بن ابی طالب.

۲. نسائی، خصائص امیر المؤمنین، ح ۱۲.

او اجازه داد.»<sup>۱</sup>

### گونه چهارم از نقل دوم این روایت روایت ابونعیم اصفهانی

او در کتابش به نام حلیالاولیاء طرق حدیث طیر را جمع آوری کرده است. در اینجا دو نقل از این روایت را از نظر می‌گذرانید.

او با سندی از اسحاق بن عبدالله بن ابی طلحه از انس بن مالک روایت می‌کند که گفت: ام سلیم مرا با مرغی بریان شده و تعدادی نان جو، نزد رسول خدا ﷺ فرستاد. من نیز نزد آن حضرت رفتم و آن را در حضور ایشان گذاشتم. پیامبر ﷺ فرمود: ای انس شخصی را بخوان که با ما از این پرنده بخورد. آنگاه فرمود: خداوندا، بهترین بندگان را نزد ما حاضر کن. من بیرون آمدم و تمام تلاش من آن بود که مردی از خانواده خودم را بخوانم. ناگهان علی بن ابی طالب علیه السلام را دیدم. پس داخل شدم. فرمود: آیا کسی را نیافتی؟، گفتم: نه، فرمود: نگاه کن، نگریستم جز علی علیه السلام کسی را نیافتم، سه بار این کار را انجام دادم. سپس بازگشتم و گفتم: این علی بن ابی طالب است. فرمود: به او اجازه ورود بده، آنگاه فرمود: به سوی من بیا، به سوی من بیا.<sup>۲</sup>

او با سندی از انس بن مالک روایت می‌کند که گفت: روزی

۱. ابویعلی، مسند ابی یعلی، ج ۷، ص ۱۰۵.

۲. ابونعیم اصفهانی، حلیة الاولیاء، ج ۴، ص ۳۵۰.

ام سلیم مرا با همراه یک مرغ بریان و چند گرده نان جو، نزد رسول خدا ﷺ فرستاد. من نزد آن حضرت رفتم و آن را در حضور ایشان گذاشتم. فرمود: ای انس، یک نفر را دعوت کن که با ما از این مرغ بخورد. و آن گاه فرمود: خداوندا، بهترین بندگانت را نزد من حاضر کن. پس بیرون رفتم. تنها تلاش من این بود که مردی از خانواده خودم را فراخوانم. ناگهان به علی بن ابی طالب عليه السلام برخوردم. سپس وارد شدم. فرمود: آیا کسی را نیافتی؟ گفتم: نه. فرمود: نگاه کن، پس نگریم، جز علی عليه السلام کسی را نیافتم. این کار را سه بار انجام دادم. سپس بیرون رفتم و دوباره برگشتم و گفتم: ای رسول خدا، این علی بن ابی طالب است. فرمود: به او اجازه ورود بده و فرمود: خداوندا، دوستش بدار، خداوندا دوستش بدار. پیامبر این جملات را فرمود و با دست نیز اشاره می کرد.<sup>۱</sup>

#### نقل سوم:

این نقل به بازگو کردن این واقعه از سوی خادم پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم اختصاص دارد. در این نقل، زنی از انصار، مرغی را به پیامبر هدیه می دهد و پیامبر قبل از تناول آن دعا می کند، که خداوند متعال، محبوب ترین بندگانش را نزد او بفرستد، تا با وی در خوردن آن مرغ شریک شود و یا وی شرح می دهد که به

۱. ابونعیم اصفهانی، حلیة الاولیاء، ج ۶، ص ۳۳۹.

طبخ چند مرغی که به پیامبر هدیه شده بود، می پردازد.

### روایت احمد بن حنبل

او در کتاب مناقب امیرالمؤمنین، این حدیث را روایت کرده است و میرحامد حسین از کتاب تذکرخواص، اثر سبط ابن جوزی این روایت را از احمد بن حنبل نقل کرده است. احمد بن حنبل با سندی از سفینه، خادم پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله این حدیث را روایت کرده است که زنی از انصار دو پرنده بین دو قرص نان گذاشت و آن را به پیامبر تقدیم کرد. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: خداوند، محبوب ترین بندگان نزد خدا و پیامبرت را نزد من حاضر کن، در آن هنگام از پشت در صدای کسی برخاست. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: او کیست؟ گفت: علی. فرمود: در را بر او بگشا. سپس در را گشودند و او با پیامبر مرغ را خوردند، تا تمام شد.<sup>۱</sup>

### روایت ابوبکر بزار

او با سندی از سفینه، خادم پیامبر اسلام روایت می کند که گفت: به رسول خدا چند پرنده هدیه شد. من بعضی از آنها را آماده کردم. هنگام صبح آن را نزد حضرت آوردم، پیامبر فرمود: این از کجاست؟ گفتم از همان مرغ هایی است که دیروز برای شما آوردند. فرمود: آیا نگفتم برای فردا غذایی ذخیره

۱. سبط ابن جوزی، تذکره خواص الأمة، ص ۲۸.

نکنید، هر روز روزی مخصوص به خود را دارد. آنگاه فرمود: خداوندا، بهترین بندگان را نزد من حاضر کن که همراه من از این مرغ بخورد. در این هنگام علی وارد شد.<sup>۱</sup>

### روایت ابوالقاسم بغوی

وی از سفینه، خادم رسول خدا ﷺ چنین روایت کرده است:

روزی زنی از انصار، دو مرغ را، در دو قرص نان پیچیده، به پیامبر هدیه کرد. در منزل جز من و انس کسی نبود. پیامبر وارد شد و درخواست ناهار کرد. گفتم: ای رسول خدا، زنی از انصار برای شما هدیه‌ای فرستاده است. آنگاه آن دو مرغ را نزد حضرت حاضر کردم. فرمود: خداوندا، بهترین بندگان نزد خود و رسولت را حاضر کن. در این حال علی ابن ابی طالب رضی الله عنه آمد و به آرامی در زد. گفتم: کیست؟ گفت: ابوالحسن. بار دیگر در زد و صدای خود را بلند کرد. در را گشودم. سپس پیامبر با علی از دو مرغ خوردند، تا تمام شد.<sup>۲</sup>

### روایت ابن عساکر

او با دو صورت این روایت را از سفینه، خادم پیامبر اکرم ﷺ روایت کرده است.

۱. نورالدین هیثمی، کشف الاستار عن زوائد البزار، ج ۳، ص ۱۹۳.

۲. بغوی، معجم الصحابه، مخطوط.

او با سندی از مطیر بن ابی خالد ثابت بجلی از سفینه خادم پیامبر اسلام روایت کرده است که گفت: زنی از انصار، دو مرغ بین دو قرص نان به رسول خدا ﷺ در مسجد بودند و جز من و انس کسی در خانه نبود. سپس پیامبر آمدند و درخواست غذا نمودند. گفتم: ای رسول خدا، زنی این غذا را به شما هدیه کرده است. سپس دو مرغ را، به آن حضرت تقدیم کردم و پیامبر فرمود: خداوندا، محبوبترین بندگانت - فکر می‌کنم فرمود: محبوبترین بندگان نزد خودت و رسالت را - حاضر کن. در این هنگام علی رضی الله عنه آمد و در را به آرامی زد. گفتم: کیست؟ گفت: ابوالحسن. دوباره در زد و صدایش را بلند کرد، رسول خدا ﷺ فرمود: کیست؟. گفتم: علی. فرمود: در را برایش باز کن. در را گشودم، آنگاه علی به همراه رسول خدا از دو مرغ خوردند، تا تمام شد.<sup>۱</sup>

او با سندی از بُرید بن سفیان از سفینه، خادم پیامبر اسلام روایت کرده است که گفت: به رسول خدا ﷺ، چند پرنده هدیه شد. ام‌ایمن قسمتی را برداشت. هنگامی که صبح شد، آن را آورد. پیامبر فرمود: ام‌ایمن این چیست؟ گفت: این یکی از مرغ‌هایی است که دیروز به شما هدیه شد. فرمود: مگر تو را نمی‌نکردم که مبادا غذائی را برای کسی برداری و هیچ‌گاه آن را برای فردا نگذاری؟ هر روز، روزی مخصوص خود را دارد، سپس به

۱. بنگرید: ابن عساکر، تاریخ مدینه دمشق، ترجمه علی بن ابی طالب.

علی علیه السلام فرمود: به سوی من بیا، به سوی من بیا.<sup>۱</sup>

### روایت گنجی شافعی

وی نیز با سندی از سفینه، نقل کرده است که گفت: به رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم چند پرنده هدیه شد. أم ایمن یکی از آنها را برای پیامبر برداشته و برای خوردن آماده کرد. هنگام صبح آن را نزد حضرت آورد. پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: أم ایمن این چیست؟ گفت: این یکی از مرغ‌هایی است که دیروز به شما هدیه شده است. فرمود: مگر تو را نهی نکردم که برای کسی یا برای روز بعد، غذایی را کنار نگذاری، هر روز، روزی خود را دارد. سپس فرمود: خداوندا، محبوب‌ترین بندگانت را بر من وارد کن، تا با من از این مرغ بخورد. در این هنگام علی علیه السلام وارد شد. حضرت فرمود: به سوی من بیا.<sup>۲</sup>

۱. همان.

۲. گنجی شافعی، کفایة الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، باب سی و سوم، حدیث طائر.





### دلالت حدیث طبر

میرحامد حسین برای این حدیث، تنها به دو وجه دلالت بر امامت و خلافت حضرت علی علیه السلام اشاره کرده است، اما درباره وجه دوم دلالت این حدیث، به تفصیل سخن گفته و شبهات مخالفان را مطرح کرده و پاسخ داده است.

**حاصل مفاد حدیث طبر، خلافت علی علیه السلام است**

علی علیه السلام - برحسب دلالت این حدیث شریف - محبوب ترین بندگان نزد خدای متعال و رسول اوست. هر که محبوب ترین بندگان نزد خدای متعال و رسولش باشد، از تمام خلائق نزد خدا و رسولش برتر است و هر که از تمام خلائق نزد خدا و رسولش برتر باشد، نزد خدا و رسولش برای خلافت تعیین می شود. پس نتیجه چنین می شود که از نظر خدا و رسولش، علی علیه السلام برای

خلافت متعین است.

#### محبوب‌ترین فرد، برترین فرد است

هر کس که محبوب‌ترین بندگان نزد خدا و رسولش باشد، او برتر از تمام خلائق نزد خدا و رسولش می‌باشد. ذیل این دلالت شبهه‌ای مطرح شده که شاید منظور پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم از محبوب‌ترین بندگان، محبوب‌تر بودن در خوردن است. علامه میرحامد حسین، پاسخ‌های متعددی به این شبهه داده است. در این مجموعه بنا بر اختصار مطالب کتاب عبققات است، از این رو در ادامه پاسخ‌هایی به این شبهه ذکر شده است که دلالت بهتر این حدیث را بر افضلیت حضرت علی علیه السلام برای جانشینی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم تبیین می‌کند، همچنین علامه میرحامد حسین، نکات و ظرایفی را از کلام و دعای پیامبر برمی‌شمارد که در تبیین این شبهه و پاسخ به آن می‌آید.

#### پاسخ به شبهه

پاسخ اول: اگر مراد پیامبر «محبوب‌تر بودن در خوردن» بود، به آن تصریح می‌فرمود.

اگر مراد پیامبر در حدیث طیر، درخواست محبوب‌ترین بندگان نزد او فقط از لحاظ خوردن بود، به آن تصریح می‌فرمود. زیرا برای آن حضرت ممکن بود که بفرماید: خدایا محبوب‌ترین شخص در خوردن را نزد من حاضر کن. اما این را نفرمود، بلکه

به طور مطلق فرمود: خدایا محبوب‌ترین بندگان نزد خود و رسولت را نزد من بیاور، تا با من از این مرغ بخورد. اینکه رسول خدا آن عبارت مختصر را ترک کرده و چنین فرموده است، به وضوح و صراحت بر معنایی فراتر از محبوبیت در خوردن آن مرغ دلالت دارد. جز این نیست که آن حضرت می‌خواهد نشان دهد مردی را که می‌طلبد، محبوب‌ترین بندگان نزد خدا و رسولش به طور اطلاق و عموم است، ... وگرنه چرا به جای استفاده از جمله مختصر که بر مقصود دلالت دارد، با یک جمله طولانی که دلالت واضح بر آن ندارد، سخن بگوید؟

پاسخ دوم: عبارت: «أحبّ الخلق الیک» ادعای مطرح شده را رد می‌کند.

اگر مراد از أحبّیت، أحبّیت در خوردن بود، عبارت پیامبر، خطاب به خدای متعال که «محبوب‌ترین بندگان نزد خودت» هیچ معنایی نداشت، زیرا محبوب‌تر بودن در خوردن، یک میل طبیعی است و درباره‌ی خداوند متعال محال است.

میر حامد حسین در ادامه از یک شبهه، مشابه شبهه مطرح شده و استدلال و پاسخ شیخ مفید که آن را شاگردش سید مرتضی<sup>۱</sup> نقل کرده، برای پاسخ تکمیلی به این شبهه می‌آورد.

۱. علی بن حسین موسوی، از علمای شیعه قرن چهارم و پنجم هجری است. وی به «سیدمرتضی» و «علم الهدی» شهرت دارد. او به همراه برادرش سیدرضی، فقه و کلام را از شیخ مفید آموخته است و سرآمد

شبهه چنین است: جمله «خداوندا، محبوب ترین بندگانت را نزد من بیاور تا با من از این مرغ بخورد» به معنای محبوب ترین بندگان نزد خدا در خوردن با آن حضرت است، نه آنکه مراد محبوب ترین بندگان نزد او به خاطر زیادی اعمالش باشد. زیرا جایز است که خدای متعال دوست داشته باشد که فردی غیرافضل، با پیامبرش غذا بخورد و این نزد خدا به جهت مصلحتی محبوب تر باشد.

شیخ مفید در پاسخ به این شبهه چنین می گوید: این اعتراض ساقط است. زیرا محبت خدای متعال، تمایل بشری و حبّ طبیعی نیست، بلکه ثواب است، چنانکه بغض و غضب خدا نیز به معنی هیجان زدگی و طبع غضب نیست، بلکه کیفر او است. لفظ «أفعل» در «احبّ و ابغض» فقط به پاداش و کیفر برمی گردد. طبق این اصل، این سخن بی معناست که گفته اند: «محبوب ترین بندگان نزد خدا که با رسول خدا غذا می خورد، به معنای غذا را دوست داشتن و مبالغه آن با لفظ أفعل است»، زیرا حاصل آن، تشبیه محبت خدا به محبت انسان و به معنای میل طبع است که این درباره خداوند متعال محال است.<sup>۱</sup>

پاسخ سوم: فرمایش حضرت: «...محبوب ترین بندگانت نزد

۱۴ شاگردان شیخ مفید است. آثار بسیاری از او در کلام، تفسیر، اصول فقه، فقه بر جای مانده است.

۱. سید مرتضی، الفصول المختارة، ص ۶۵.

من از اولین و آخرین را بر من وارد کن...».

پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در برخی نقل‌های این روایت فرموده است: خدایا، محبوب‌ترین بندگان از اولین و آخرین را بر من وارد کن تا با من از این مرغ بخورد...؛ آیا با این مطلب، هنوز هم مجالی برای تأویل لفظ «أحبّ» و مقید کردن آن باقی می‌ماند، یعنی آیا می‌شود از این کلمه چنین برداشت کرد که «محبوب‌ترین افراد در خوردن» مدّ نظر پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بوده است؟ از این حدیث هم ثابت می‌شود که امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَام محبوب‌ترین بندگان نزد پیامبر از تمام خلق اعم از اولین و آخرین می‌باشد... یعنی حتّی محبوب‌تر از انبیاء و رسولان و ملائکه مقرب می‌باشد. پاسخ چهارم: اگر مقصود لذت بیشتر در خوردن غذا بود... اگر قصد پیامبر از محبوب‌ترین خلق، حضور شخصی بر سفره غذا به منظور لذت بیشتر در خوردن بود، این هدف با حضور یکی از همسران ایشان برآورده می‌شد.

لذت بردن از غذا، وقتی که همسر محبوب انسان در آن حاضر باشد، بهتر است و این حتّی از حضور فرزند حاصل نمی‌شود، تا چه رسد به دیگر افراد. حضور نداشتن هیچ یک از همسران پیامبر، بخصوص آنکه از نظر اهل سنت محبوب‌ترین همسر پیامبر یعنی عایشه باشد، و یا حضرت فاطمه عَلَيْهَا السَّلَام به عنوان محبوب‌ترین فرزند پیامبر، حاکی از این است که دعای پیامبر، مقصود دیگری دارد و مراد از محبوب‌ترین، محبوبیت در غذا

خوردن نیست و خداوند دعای پیامبرش را استجابت فرمود و برترین مرد، علی علیه السلام را حاضر کرد.

پاسخ پنجم: رفتار آنس بن مالک دلیل بطلان تأویل‌ها است. اگر مراد، صرفاً «محبوب‌ترین در خوردن» بود، چرا آنس بن مالک آن همه می‌کوشید تا فردی از قوم خود - انصار - را وارد کند؟ چرا چند بار پیایی، مانع ورود علی علیه السلام به محضر پیامبر شد؟

هر عاقلی که اخبار داستان طیر را ژرف بنگرد و در آن تغلل آنس را ببیند، برایش یقین حاصل می‌شود که وارد شدن بر پیامبر در آن ساعت و خوردن از آن مرغ با ایشان، یک مقام عظیم و منزلت رفیع محسوب می‌شده است. حتی اگر آن را «محبوب‌ترین در خصوص خوردن غذا» بدانیم، باز هم کاملاً روشن است که شخص محبوب‌تر در خوردن، تنها کسی است که بیشترین معاشرت یا نزدیک‌ترین نسبت یا بیشترین الفت با پیامبر را دارد. معلوم می‌شود که انصار، به این شرف و مرتبه دست نیافته‌اند، پس چگونه آنس آرزو داشته است که انصار مصداق دعای رسول خدا باشند؟

پاسخ ششم: سخن آنس که: «خدایا او را مردی از ما قرار ده تا به این وسیله شرافتمند شویم»

در ادامه پاسخ پیشین، علامه میر حامد حسین ادامه می‌دهد، آنس گفت: «خدایا او را مردی از ما قرار ده تا به این وسیله

شرافتمند شویم». این جمله نشان می‌دهد قضیه به گونه‌ای بوده است که به واسطه آن شرف و عزت حاصل می‌شده است، و مسأله صرفاً «محبوبیت در خوردن» که عاری از هرگونه فضیلت و خالی از شرافت باشد، نبوده است؛... برخلاف آنچه مخالفان می‌پندارند.

وی برای تکمیل سخنش، به تقریر سید مرتضی از سخن شیخ مفید استناد می‌کند:

«... پیامبر ﷺ از خداوند تعالی خواست که محبوب‌ترین خلقتش نزد او را پیش آن حضرت حاضر نماید. اگر این درخواست از بزرگترین فضائل نمی‌بود، انس را وانمی‌داشت که آن را به قوم خود مخصوص گرداند. و اگر انس این معنا را از کلام پیامبر نمی‌فهمید، امیرالمؤمنین ع را از وارد شدن منع نمی‌کرد تا آن فضیلت ویژه انصار باشد و جزئی از آن فضیلت برای انس حاصل شود.»<sup>۱</sup>

پاسخ هفتم: سخن عایشه و حفصه که گفتند: «خدایا او را پدر من قرار ده».

در بخش متن روایت، گونه دوم از نقل اول روایت طبر، چنین بود که عایشه و حفصه دعای پیامبر اکرم ص را شنیدند که فرمود: خدایا، محبوب‌ترین بندگان را نزد من بیاور تا با من از

۱. سید مرتضی، الفصول المختارة، ص ۶۸.

این مرغ بخورد»، آنگاه هر دو دعا کردند که پدرشان آن فرد باشد. علامه میرحامد حسین با تکرار این نقل از روایت، می‌افزاید اگر معنی «أحبّ» محبوب‌ترین برای خوردن بود، چه دلیلی داشت که عایشه و حفصه علاقه‌مند باشند آن فرد، پدر آنها باشد. اگر دعا تنها برای خوردن بود، هرگز یک امر جزئی بی‌اثر یعنی خوردن را، برای پدران خود - که به گناشان دارای مقام بالاتر و صاحب شأن برتر بودند - آرزو نمی‌کردند. ولی در اینجا، محبوب‌ترین به معنای تامّ و عام مطلق است که نتیجه‌اش برتری مطلق و تامّ است. این همان چیزی بود که عایشه و حفصه برای پدرانشان می‌خواستند، و آنس آن را برای سعدبن عباد، یا دیگر انصار می‌خواست.

پاسخ هشتم: تکرار دعا توسط پیامبر

تمام روایات اتفاق دارند در این که پیامبر دعا و طلب خود از خدا را برای آوردن محبوب‌ترین بندگان نزد خود تکرار نمود. در برخی نقل‌ها آمده است: «پیامبر در این دعا تلاش نمود...» و این کاشف از این است که مطلوب آن حضرت، شأن عظیم و مرتبه‌ای عالی دارد... پس به حکم عقل، لازم است که عنوان «محبوب‌ترین» که در دعای مکرر آن حضرت آمده، صفتی ارزشمند باشد که مقام صاحب آن را نشان می‌دهد.

پاسخ نهم: آنس به حضرت علی علیه السلام گفت: بشارتی برایت

دارم.



در بخش متن روایت این چنین آمد که انس بن مالک دو بار از ورود حضرت علی علیه السلام به خانه پیامبر ممانعت کرد، پس از آنکه علی علیه السلام بار سوم وارد خانه شد و از آن مرغ با پیامبر تناول نمود. هنگام خروجش از خانه پیامبر، انس از علی علیه السلام خواست که او را ببخشد. راوی می گوید: انس گفت: «گفتم ای ابوالحسن [کنیه امیر المؤمنین] برای من استغفار کن، زیرا من در قبال تو گناهی دارم، در برابر آن بشارتی برایتان دارم. آنگاه دعای پیامبر را نقل نمودم. آن حضرت خدا را سپاس گفت و برای من نیز استغفار کرد و از من راضی شد. بشارت من به آن حضرت، سبب آمرزش گناه من شد.»

در این نقل از حدیث طبر، انس بشارتی که به حضرت علی علیه السلام می دهد که همان آگاه کردن وی از دعای پیامبر است و در برابر آن، از او درخواست بخشش می کند. اگر «محبوب ترین بودن» در خصوص خوردن با آن حضرت بود، انس از آن به عنوان بشارت یاد نمی کرد، زیرا این مطلب، به فرض خوردن محض، امری حقیر و ساده است و قابل توجه نیست تا به خاطر آن بشارت و تهنیت گفته شود.

#### نکات و ظرایف کلام و دعای پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم

دعای آن حضرت به این صورت که: «خداوندا، محبوب ترین بندگانت را نزد من بیاور». از کلمات جامع و حکمت های روشن آن حضرت است. در آن لطائف و نکات

بلندی به چشم می خورد و مجموع آن بر اهتمام بسیار آن حضرت، به اظهار علو مقام امیرالمؤمنین علیه السلام در آن داستان دلالت دارد، که در ادامه به آن اشاره می شود:

خطاب آن حضرت نسبت به خداوند عزوجل، و ندا کردن خدا با اسم «الله» که محبوب ترین اسماء نزد اوست. پیامبر می فرماید: «اللهم» نه «یا الله»، زیرا در اوّلی دلالت بر تفخیم و تعظیم است که در دومی نیست، «اللهم» شامل دو شدت است که در «یا الله» نیست.

در اکثر طرق حدیث، لفظ «أَتْتَنِي بِأَحَبِّ خَلْقِكَ...» آمده است. آن حضرت این لفظ را بر لفظ «أَرْسِلِ إِلَيَّ» و یا «ابْعَثِ إِلَيَّ» و الفاظ شبیه به آنها ترجیح داده است. زیرا «اتیان» وقتی که به حرف باء هم متعدی شود، دلالت بر عنایت و توجه بیشتر به شأن کسی دارد که به سوی او فرستاده می شود. گویا فرستنده، همراه با کسی است که به سوی او فرستاده شده است.

فرموده: «أَتْتَنِي» و نفرموده: «أَتْت» برای این که برساند مطلوب آن حضرت، حضور محبوب ترین خلق نزد ایشان است، نه مطلق آمدن محبوب ترین خلق.

پیامبر اکرم از میان الفاظی که بر تفضیل و ترجیح دلالت دارد، لفظ «أَحَبُّ» را برگزیده است؛ زیرا کثرت محبت خدا به یک فرد، دلالت دارد که او تمام صفات کمال و مجد و عظمت را واجد است. زیرا مقام محبت، بالاترین مقامات و رفیع ترین

درجات است.

«أحبّ» یعنی «بیشترین محبوبیت»؛ پس امیرالمؤمنین علیه السلام بیشترین محبت را نسبت به خدا دارد، زیرا محبوبیت فرع بر محبت بودن است.

لفظ «أحبّ» را به لفظ «الخلق» اضافه کرده است تا به صراحت اشاره کند که علی محبوبترین تمام آفریدگان خداست و اگر صراحت دلالت را اراده نکرده بود، تنها به کلمه «الأحبّ» که به الف و لام مَعْرَف شده است، اکتفا می کرد.

کلمه خلق را به ضمیر خطاب اضافه کرده است، و فرمود: «خلقت»، به این دلیل است که آشکار کند که آن حضرت، محبوبترین تمام خلق است، به طوری که شایسته است به اسم خداوند متعال جلّ جلاله اضافه شود. و مراد از خلق همان مخلصین هستند.

لفظ «خلق» اسم جنس است، و اسم جنس مضاف، افاده عمومیت می کند، چنان که بزرگان علماء به آن تصریح دارند. پس مراد محبوب تر از همه خلق مخلص خداست.

آن حضرت لفظ «الی رسولک» یا «الی» را اضافه فرمود تا تصریح کند که علی محبوبترین خلق نزد اوست. اگرچه در کلام آن حضرت «الیک» کفایت می کند، زیرا کسی که نزد خدا محبوبترین است، قطعاً نزد رسول هم محبوبترین است؛ از این رو آوردن «الی» را قوی تر می سازد. بنابراین حضرت

علی علیه السلام به دو دلالت نزد پیامبر محبوب‌ترین است.  
پیامبر، برای کلمه «أحبّ» متعلّق خاصی ذکر نکرده است، تا  
دلالت بر عموم أحبّیت آن حضرت و مشمول آن بر همه انواع و  
اقسام و اصناف آن نماید، زیرا حذف متعلّق در مقام بیان دلیل  
عمومیت است....

## منابع

- ١ - ابن اثير جزرى، على بن محمد، أسد الغابة فى معرفة الصحابة، تحقيق: محمد ابراهيم بناء، بيروت، داراحياء التراث العربى، ١٩٩٥ م / ١٤١٥ ق.
- ٢ - ابن بابويه (شيخ صدوق)، محمد بن على، الخصال، تصحيح: على اكبر غفارى، قم، جامعه مدرسين، ١٣٦٢ ش.
- ٣ - ابن بطريق، يحيى بن حسن، عمدة عيون صحاح الأخبار فى مناقب امام الأبرار، قم، جامعه مدرسين حوزة علميه قم، ١٤٠٧ ق.
- ٤ - ابن حجر عسقلانى، أحمد بن على، المطالب العالية بزوائد المسانيد الثمانية، تحقيق: سعد بن ناصر، رياض، دارالعاصمة و دارالغيث، ١٤١٩ ق / ١٩٩٨ م.
- ٥ - ابن طاووس، احمد بن موسى، بناء المقالة الفاطمية فى نقض الرساله الثمانية، تصحيح و تحقيق: على عدنانى غريفى، قم، مؤسسه آل البيت ﷺ لأحياء التراث، ١٤١١ ق.

- ٦ - ابن عساكر، على بن حسن، تاريخ مدينة دمشق، تحقيق: محب الدين ابى سعيد عمر بن غرامة عمري، بيروت، دارالفكر، ١٩٩٥م / ١٤١٥ ق.
- ٧ - ابن عقده كوفى، احمد بن محمد، فضائل أمير المؤمنين عليه السلام، تصحيح و تحقيق: حرز الدين عبدالرزاق محمد حسين، قم، دليل ما، ١٤٢٤ ق.
- ٨ - ابن كثير، اسماعيل بن عمر، البداية و النهاية، بيروت، دارالفكر، ١٤٠٧ ق / ١٩٨٤ م.
- ٩ - ابن مغازلى، مناقب الامام على بن ابيطالب، مشهد، رستگار، ١٣٨٧ ش.
- ١٠ - ابويعلى موصلى، احمد بن على، مسند أبى يعلى، تحقيق: حسن سليم اسد، دمشق، دارالمأمون للتراث، ١٩٨٤ م.
- ١١ - اربلى، على بن ابى الفتح، كشف الغمّة فى معرفة الائمة، تصحيح: سيد هاشم رسولى محلاتى، بنى هاشمى، تبريز، ١٣٨١ ق.
- ١٢ - اصفهانى، ابونعيم، حلية الاولياء و طبقات الأصفياء، تصحيح: كمال يوسف حوت، قاهره، ام دارالقرى، بى تا.
- ١٣ - اصفهانى، ابونعيم، حلية الاولياء و طبقات الأصفياء، تصحيح: كمال يوسف حوت، قاهره، ام دارالقرى، بى تا.
- ١٤ - امينى، عبدالحسين، موسوعة الغدير فى الكتاب والسنة والأدب، تحقيق: مركز الغدير للدراسات الإسلاميه: زير نظر محمود هاشمى شاهرودى، قم، موسسه دائرة معارف الفقه الإسلامى، ١٤٣٠ ق / ٢٠٠٩ م.
- ١٥ - بخارى، محمد بن اسماعيل، التاريخ الكبير، تحقيق السيد هاشم

- الندوى، دار الفكر، بي.تا.
- ١٦ - ترمذى، محمد بن عيسى، الجامع الكبير (سنن)، تحقيق: احمد محمد شاكر، القاهرة، دارالحديث، ١٤١٩ ق.
- ١٧ - حاكم نيشابورى، المستدرک على الصحيحين، تحقيق: تحت اشراف عبدالرحمن مرعشلى، بي.نا، بي.جا، بي.تا.
- ١٨ - الحسنى المغربى الغمارى، احمد بن محمد، فتح الملك العلى بصحة حديث باب مدينة العلم على، تحقيق و تعليق: عماد سرور، مصر، الازهر، المكتبة الاسلامية، ١٣٥٤ ق.
- ١٩ - حلى، حسن بن يوسف بن مطهر، كشف اليقين فى فضائل امير المؤمنين عليه السلام، تصحيح: حسين درگاهى، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامى، ١٤١١ ق.
- ٢٠ - ذهبى، محمد بن أحمد، ميزان الاعتدال، تحقيق: شيخ على محمد معوض و شيخ عادل أحمد عبدالموجود، بيروت، دار الكتب العلمية، ١٩٩٥ م.
- ٢١ - سبط ابن جوزى، تذكرة خواص الأمة، قم، شريف رضى، ١٣٧٦ ش.
- ٢٢ - سيد مرتضى، على بن الحسين، الفصول المختارة، تحقيق: السيد على ميرشريفى، بيروت، دار المفيد، ١٤١٤ ق.
- ٢٣ - شامى، يوسف بن حاتم، الدر المنظييم فى مناقب الأئمة الهاميم، قم، جامعه مدرسين، ١٤٢٠ ق.
- ٢٤ - شيخ مفيد، محمد بن محمد، الإفصاح فى امامة أمير المؤمنين، قم، مؤسسه البعثه، ١٤١٢ ق.
- ٢٥ - طبرانى، سليمان بن أحمد، المعجم الأوسط، تحقيق طارق بن عوض الله و عبد المحسن بن ابراهيم الحسينى، القاهرة، ناشر دار الحرمين،

١٤١٥ ق.

- ٢٦ - طبرانى، سليمان بن أحمد، المعجم الكبير، تحقيق: حمدى بن عبدالمجيد السلفى، الموصل، مكتبة الزهراء، ١٤٠٤ ق.
- ٢٧ - طبرسى، احمد بن على، الاحتجاج على أهل اللجاج، مترجم: احمد غفارى، تهران، مرتضوى، ١٣٧١ ش.
- ٢٨ - طبرسى، فضل بن حسن، اعلام الورى بأعلام الهدى، تصحيح و تحقيق: مؤسسه آل البيت، قم، آل البيت، ١٤١٧ ق.
- ٢٩ - طبرى، احمد بن عبدالله، الرياض النضرة فى مناقب العشرة، بيروت، ١٤٠٥ ق / ١٩٨٤ م.
- ٣٠ - طبرى، محمد بن جرير، المسترشد فى امامة على بن ابى طالب، تصحيح: احمد محمودى، قم، كوشانيور، ١٤١٥ ق.
- ٣١ - عاملى، محمد بن حسن، اثبات الهداة بالنصوص و المعجزات، بيروت، اعلمى، ١٤٢٥ ق.
- ٣٢ - گنجى الشافعى، محمد بن يوسف، كفاية الطالب فى مناقب على بن أبى طالب، تصحيح: محمد هادى امينى، تهران، دار احياء تراث اهل البيت، ١٤٠٤ ق.
- ٣٣ - مجلسى، محمد باقر، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار، تحقيق: محمد الباقر البهبودى، بيروت، مؤسسه الوفاء، ١٤٠٣ ق.
- ٣٤ - نسائى، احمد بن شعيب، خصائص امير المؤمنين على بن أبى طالب، تحقيق: أحمد ميرين البلوشى، كويت، مكتبة المعلا، ١٤٠٦ ق.
- ٣٥ - هيثمى، نورالدين على بن أبى بكر، كشف الأستار عن زوائد البزّار، تحقيق: حبيب الرحمن الأعظمى، بيروت، دارالرسالة، ١٩٧٩ م.